

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم: سهیلا

۱۷ سپتمبر ۲۰۲۲

## سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی در جاپان

(نمونه ای از جنایات امپریالیسم امریکا پشت نقاب فریبکارانه "دموکراسی"!)

ششم اگست ۲۰۲۲ هفتاد و هفتمین سالگرد بمباران هیروشیما و ناکازاکی در جاپان توسط امپریالیسم امریکا می باشد. این اقدام، وحشتناک ترین جنایت جنگی امپریالیسم امریکا علیه غیرنظامیان بی دفاع بود. قدرت های امپریالیستی به سرکردگی امریکا در طول این هفتاد و هفت سال هیچگاه از جنگ و کشتار مردم بی دفاع دست نکشیده اند و اکنون نیز بیش از پیش به ایجاد و گسترش زرادخانه های عظیم هسته ای و زمینه سازی برای حملات هسته ای جدید پرداخته اند. از این رو بی ارتباط نیست که برای درک شرایط کنونی جهان، جنایت امپریالیسم امریکا در هیروشیما و ناکازاکی مورد بررسی قرار بگیرد.

در ساعات اولیه روز ششم اگست ۱۹۴۵ یک هواپیمای جنگی امریکائی B-29 از باند پایگاه هوایی امریکا در جزیره تینیان (Tinian) اقیانوس آرام بلند شد و پس از تقریباً شش ساعت پرواز در حالی که از جانب نیروهای نظامی جاپان با مقاومتی مواجه نشد، در ساعت ۸:۱۵ صبح به وقت محلی محموله خود را که یک بمب اتمی (اورانیومی) با قدرت انفجار معادل ۱۳ هزار تن تی.ان.تی بود، بر فراز آسمان صاف هیروشیما (شهری با حدود ۲۵۵ هزار نفر جمعیت در جاپان) انداخت.

واکنش هسته ای درون بمب مزبور، حرارت در روی زمین (۶۰۰ متر زیر نقطه انفجار بمب) را به ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ درجه سانتیگراد رساند، یعنی دو برابر نقطه ذوب آهن. این حرارت همه چیز را در فاصله یک کیلومتر و نیمی سوزاند و موج بسیار شدید ناشی از انفجار منجر به ویران شدن اکثر ساختمان ها تا شعاع دو کیلومتری شد. بمب هیروشیما بر روی پلی در مرکز شهر هدفگیری شده بود اما این بمب حدود ۲۵۰ متر دورتر از هدفی که پیش بینی شده بود روی ساختمان یک بیمارستان منفجر شد و همه بیماران بستری در آنجا را به قتل رساند. اما این جنایت به همین جا ختم نشد بلکه باعث کشته شدن مردمی گردید که در شعاع ۵۰۰ متری سکونت داشتند. حدود ۸۰ هزار نفر بلافاصله یا چند ساعت پس از انفجار کشته شدند (۱) بقیه نیز به تدریج در طول روزها و ماه های بعد جان خود را از دست دادند.

اما امریکا به این حد از جنایت بسنده نکرد. سه روز بعد هواپیمای مشابهی که سلاح اتمی قویتری را حمل می کرد، از فرودگاه تینیان حرکت کرد. اما این هواپیما از یک طرف با آتش تیربارهای جاپانی از زمین روبرو شد و از طرف دیگر از شهر کوکورا (Kokura) که قرار بود هدف حمله قرار بگیرد، دید روشنی نداشت. شهر کوکورا در آن روز

پوشیده از ابر و غیرقابل رویت بود. در نتیجه هواپیمای جنگی امریکائی برای رسیدن به مقصد اول خود با مشکل مواجه شد و به سمت هدف دوم خود (ناکازاکی، شهری صنعتی با حدود ۲۷۰۰۰۰ نفر جمعیت در جاپان) پرواز کرد. در اینجا با توجه به این واقعیت که هواپیمای بمب افکن امریکا نتوانست مرکز شهر را هدف قرار دهد، اثرات مخرب آن نسبت به هیروشیما (به نسبت جمعیت) کمتر بود. در ناکازاکی حدود ۴۰ هزار نفر بلافاصله کشته شدند و ده‌ها هزار نفر دیگر نیز طی چند ماه بعد بر اثر عوارض ناشی از تشعشعات هسته‌ای جان خود را از دست دادند.

تخمین زده شده است که طی چهار ماه پس از این دو انفجار حدود ۲۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر در هیروشیما و ناکازاکی کشته شدند که ۹۰ درصد آنها مردان، زنان و کودکان غیرنظامی بودند. پیش از آن هرگز چنین کشتار و ویرانی در این ابعاد و به این سرعت رخ نداده بود. به همین دلیل هم بربریت بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی در میان جنایات امپریالیست‌ها در طول تاریخ از برجستگی خاصی برخوردار است. به ویژه این که امپریالیسم امریکا این جنایت جنگی را در غیاب هر گونه ضرورت نظامی و در شرایطی انجام داد که جنگ جهانی دوم به پایان رسیده بود و دولت جاپان در آستانه فروپاشی قرار داشت، امری که خود نظامیان امریکائی نیز به آن معترف بودند. امپریالیسم امریکا در همان زمان سعی کرد جنایت بمباران اتمی شهرهای جاپان را که از قیل برنامه ریزی کرده بود با توسل به دروغ‌های آشکار به خیال خود توجیه کند. اما قتل عام صدها هزار غیرنظامی به طرز فجیع به روشنی قساوت این امپریالیسم و به طور کلی جنگ طلبی سیستم سرمایه داری جهانی را ثابت و آشکار نمود.

با اینکه در طول جنگ جهانی دوم جنایات بسیاری به وقوع پیوسته است، اما بمباران هیروشیما و ناکازاکی بدون شک از بزرگترین اقدامات تخریبی بی‌رویه و ضدانسانی بودند که جان صدها هزار نفر عمدتاً غیرنظامیان را در لحظه ای گرفتند. این واقعه که گواهی بر بی‌رحمی بی‌حد و ظرفیت مخرب نظامی گری امپریالیسم امریکا است، هرگز نباید از خاطره زحمتکشان سرتاسر جهان زوده شود و هرگز هم زوده نخواهد شد.

دولت امریکا برای توجیه بمباران هیروشیما و ناکازاکی در اذهان عمومی امریکا به این دروغ فریبکارانه متوسل گشت که بمباران جاپان برای وادار کردن آن کشور به تسلیم ضرورت داشته است. اما این ادعا دروغی بیش نبود. در مقابل این دروغ، اتفاقاً خود نظامیان امریکا مطرح کردند که برتری هوایی امریکا بر جاپان حتی بدون بمباران اتمی می‌توانست به تسلیم بی‌قید و شرط جاپان و به پایان یافتن جنگ منجر شود. اما مقامات امریکائی که به دلیل استفاده از بمب اتمی با خشم و نفرت افکار عمومی مواجه شده بودند به اشاعه دروغ‌های دیگری پرداختند و از جمله ادعا کردند که آنها با اقدام به بمباران اتمی شهرهای جاپان حدود یک میلیون امریکائی و چندین میلیون جاپانی را از مرگ نجات داده‌اند. بر اساس این ادعای دروغ اگر امریکا، هیروشیما و ناکازاکی را با بمب اتمی به طور کامل نابود نکرده بود، جاپان به امریکا حمله می‌کرد و امریکا وادار به اشغال جاپان می‌شد و جنگ جهانی دوم نه تنها متوقف نمی‌شد بلکه در خاک امریکا و جاپان با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کرد. با بیان این دروغ، مقامات امریکائی بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی را اقدامی "بشردوستانه" جا زدند. با این حال، برخی از مقامات ارشد دولت و ارتش امریکا با اقرار به این واقعیت که جاپان پیش از تهاجم امریکا آماده تسلیم شدن بود، غیرواقعی بودن ادعاهای طبقه حاکم برای توجیه بمباران اتمی را برملا کردند. به عنوان مثال، ژنرال "ایزنهاور" فرمانده نیروهای متحدین در اروپا و رئیس جمهور بعدی امریکا، در رابطه با واکنش خود در زمانی که وزیر جنگ، بمباران‌های برنامه ریزی شده را به او اطلاع داده بود، در خاطرات خود نوشته است که: "در حین بیان حقایق مربوطه توسط او، من بر اساس این باور که جاپان قبلاً شکست خورده و انداختن بمب کاملاً غیر ضروری بود و ما نمی‌بایست از سلاحی استفاده کنیم که برای نجات جان امریکائی‌ها ضرورت نداشت، تردیدهای شدید خود را به او ابراز کردم".

در این مورد همچنین "دریاسالار ویلیام لیهی" رئیس دفتر رئیس جمهور ترومن نیز در سال ۱۹۵۰ نوشت: "استفاده از این سلاح وحشیانه در هیروشیما و ناکازاکی هیچ کمک واقعی به جنگ ما علیه جاپان نکرد ... ما با استفاده از آن سلاح در واقع استاندارد اخلاقی بربرهای قرون وسطی را اتخاذ کردیم." در سال ۱۹۴۹، ژنرال "هنری آرنولد" فرمانده نیروی هوایی ارتش آمریکا نیز گفت: "نظر ما همیشه این بود که دولت جاپان از قبل، با بمب اتموم یا بدون آن، در آستانه فروپاشی بود." حتی نتایج بررسی های هیئت مشاوره ای که توسط وزارت جنگ آمریکا برای بررسی سیاسی-نظامی بمباران اتمومی جاپان تشکیل شده بود نیز پوچ بودن توجیهات دولت وقت آمریکا را ثابت کردند. این هیئت در سال ۱۹۴۶ در گزارشی در رابطه با نتایج بررسی های خود اعلام کرد که "برتری هوایی آمریکا بر جاپان حتی بدون بمباران اتمومی می توانست به تسلیم بی قید و شرط جاپان و به پایان یافتن جنگ منجر شود. به بیان دیگر، جاپان تسلیم می شد حتی اگر بمب های اتمومی بر هیروشیما و ناکازاکی ریخته نمی شدند."

البته طبقه حاکم بر آمریکا بر این حقیقت واقف بود که بمباران اتمومی هیروشیما و ناکازاکی برای پایان دادن به جنگ جهانی دوم الزامی نبود. به طوری که سازمان اطلاعات آمریکا که دولت جاپان را در سال ۱۹۴۵ دائماً شنود می کرد به خوبی می دانست که رژیم جاپان از بهار همان سال به دنبال اتخاذ راه مناسب برای تسلیم شدن به نیروهای شوروی بود و امپراتور جاپان نیز آماده بود تا همراه با ارتش خود برای پایان دادن به جنگ با آمریکا و اروپا همکاری کند، اما آنها انجام این جنایت را برای تثبیت هژمونی جهانی آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی ضروری می دانستند. تنها شرطی که جاپان جهت تسلیم شدن بر آن اصرار داشت این بود که امپراتور "هیروهیتو" در حکومت باقی بماند و همانند مقامات آلمان به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه نشود. نهایتاً آمریکا پس از بمباران هیروشیما و ناکازاکی با این شرط موافقت کرد.

با اینکه در طول هفتاد و هفت سال گذشته شواهد معتبری به دست آمده که عوامفریبی های دولت آمریکا در این رابطه را مردود می شمارد، اما این عوامفریبی ها هنوز ادامه دارند و به عنوان "حقیقت تاریخی" رسماً تبلیغ می شوند. به عنوان مثال در سرمقاله ۵ اگست امسال (۲۰۲۲) "وال استریت ژورنال" نوشته شده است که "دولت ترومن قصد حمله به جاپان و اشغال آن کشور را داشته است و استفاده از بمب اتموم منجر به عدم ضرورت اجرای آن طرح و نتیجتاً منجر به نجات جان حدود یک میلیون نفر جاپانی شد که احتمالاً در جریان اشغال جاپان کشته می شدند". بر اساس این محاسبه مسخره و غیرواقعی، صدها هزار شهروند غیرنظامی جاپانی به وسیله بمب اتموم به شکل بسیار وحشتناکی با رنج و عذابی غیرقابل توصیف توسط آمریکا به قتل رسیدند تا گویا آمریکا جان یک میلیون نفر جاپانی دیگر را حفظ کرده باشد!!

برای درک هدف اصلی آمریکا از جنایتی که در جاپان مرتکب شد، باید به این واقعیت توجه کرد که بار اصلی جنگ جهانی دوم بر دوش ارتش شوروی قرار داشت و مقاومت ها و پیشروی های این ارتش بود که باعث گشت کمر ارتش هیتلر بشکند. این ارتش سرخ شوروی بود که تا پایتخت آلمان (برلین) پیش رفت. بنابراین در شرایطی که بخش بزرگی از کشورهای اشغال شده توسط ارتش هیتلر توسط ارتش سرخ آزاد شده بودند، امپریالیسم آمریکا برای قدرت نمائی و حفظ دستاوردهایش در جنگ و تحمیل هژمونی جهانی خود بر قدرت های دیگر به آن جنایت متوسل شد و در حالی که برخوردار از قدرت اتمومی اش را به رقبایش نشان داد، خود را فاتح جنگ جهانی دوم معرفی نمود. با این قدرت نمائی در پایان جنگ جهانی دوم در شرایطی که امپریالیست های دیگر در جریان جنگ ضعیف شده بودند، امپریالیسم آمریکا توانست بسیاری از کشورهای جهان را تحت سلطه خود در آورد. بر این اساس باید گفت که اقدام تروریستی

امریکا در هیروشیما و ناگازاکی گامی تعین کننده در تلاش بی وقفه امپریالیسم امریکا برای تحمیل هژمونی جهانی خود بود.

اساساً باید دانست که نابود کردن غیرنظامیان جزو سیاست های رسمی امپریالیست ها در همه جنگ هایشان از جمله جنگ جهانی دوم بوده است. برای نمونه، وقتی که در دهه ۱۹۳۰ در نتیجه پیشرفت ابزارهای نظامی، بمباران هوایی ممکن شد، همه قدرت های امپریالیستی با توجیه "تضعیف روحیه دشمن" جنگ ها (بخصوص جنگ جهانی دوم) را به صحنه کشتار عمومی غیرنظامیان تبدیل کردند. هدف از تولید بمب افکن های B-29 و B-52 نیز در اساس برای بمباران مناطق غیرنظامی بود. به طور مشخص ارتش امریکا در طول جنگ به طور فزاینده ای به روش هایی روی آورد که فقط می توان آنها را تروریسم خواند. مانند حملات بی رویه به مناطق غیرنظامی با هدف ایجاد و گسترش ترس و وحشت. قبل از هیروشیما و ناگازاکی، مخرب ترین نمونه روش های تروریستی امریکا بمباران توکیو در ۹ مارچ ۱۹۴۵ بود که منجر به کشته شدن حدود ۸۷ هزار نفر عمدتاً غیرنظامی شد. کمتر از یک ماه پس از آن، مناطق کارگری شهر برسدن آلمان در روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه مورد یورش بمباران وحشیانه واقع شد که به کشته شدن هزاران نفر غیرنظامی منجر گردید.

واقعیت دیگری که در رابطه با بمباران اتمی هیروشیما نباید فراموش کرد این است که آن اقدام تروریستی امریکانه تنها علیه مردم جاپان بلکه علیه همه طبقات محروم جهان و در درجه اول علیه طبقه کارگر انقلابی شوروی بود. اینکه پنتاگون در سال ۱۹۴۵ تخمین زده بود که می تواند شوروی را با ۲۰۴ بمب اتمی نابود کند نشان دهنده این واقعیت است که یکی از اهداف اولیه بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی التیماتوم دادن به شوروی و دیگر رقبای بالقوه امریکا بود که بدانند به چالش کشیدن هژمونی جهانی امریکا برای آنها چه عواقبی خواهد داشت. (۲)

همانطور که نشان داده شد دلایل استفاده امریکا از بمب اتمی را می توان از زوایای مختلفی بررسی نمود. اما دو هدف مرتبط ژئوپلیتیکی را می توان مهمترین آنها دانست. اولین هدف، محدود کردن نفوذ شوروی در شرق آسیا با پایان دادن به جنگ قبل از پیشروی نیروهای شوروی در داخل چین به سمت جاپان بود و دومین هدف به نمایش گذاشتن قدرت بی رقیب ارتش امریکا و عدم محدودیت آن در استفاده از ترور اتمی و دیگر جنبه های جنایتکارانه قدرت نظامی برای پیشبرد منافع خود بود.

وقتی به بمباران و حملات وحشیانه نیروهای فاشیست آلمانی در استالینگراد، ورشو و بمباران های امریکا و همپالگی هایش در هامبورگ، بردن و بسیاری شهرهای دیگر در اروپا و کشتار ساکنان غیرنظامی آنها پیش از هیروشیما و ناگازاکی و سپس فاجعه ویتنام و استفاده از بمب های نوترونی علیه حوثی های یمن در سال های اخیر نگاه کنیم، می بینیم که جنگ هسته ای با هیروشیما تمام نشد بلکه آن آغاز پروسه جنایتکارانه ای بود که هنوز ادامه دارد. همه این واقعیت ها بیانگر آنند که امپریالیسم امریکا و در واقع تمام قدرت های امپریالیستی برای پیشبرد منافع خود، بی محابانه از دست زدن به هیچ جنایتی (حتی اگر بقای بشریت را تهدید کند) ابائی نداشته و ندارند.

می توان گفت که گزینه جنگ هسته ای پس از هیروشیما و ناگازاکی از روی میز امپریالیسم امریکا هرگز برداشته نشده است و به مثابه "کارت اصلی" همیشه در پس زمینه سیاست های امریکا وجود دارد و در صورت لزوم آماده استفاده خواهد بود. به عنوان مثال دولت کندی در سال ۱۹۶۲ تا آستانه آماده شدن برای جنگ هسته ای علیه شوروی بر سر بحران موشکی کوبا پیش رفت. امپریالیسم امریکا همیشه از طرق مختلف مانند توسعه تکنولوژی و سلاح تهاجمی هسته ای، توسعه سپر دفاعی موشکی و یا با استفاده از جنگ های پیشگیرانه و پیشبرد یکجانبه منافع خود از طریق نیروی نظامی، لغو همه معاهده های محدود کننده تولید و آزمایش سلاح هسته ای، از یک طرف برتری نظامی و

موقعیت خود را به مثابه یک قدرت امپریالیستی جهانی حفظ کرده و از طرف دیگر دست خود را برای استفاده از سلاح اتومی در جنگ های آینده باز نگه داشته است.

طبقه حاکم بر امریکا که بزرگترین عامل بی ثباتی در سطح جهانی است، بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ جهت تعدیل سقوط اقتصادی خود بارها به جنگ افروزی در خاورمیانه، بالکان و آسیای مرکزی و ... و در سال های اخیر نیز به دسیسه چینی و مداخله در چین و روسیه دست زده است. البته دیگر قدرت های امپریالیستی نیز برای حفظ منافع و سلطه خود در حال آماده کردن خود برای جنگ های آینده هستند. المان و جاپان تقریباً همه محدودیت های نظامی پس از جنگ جهانی دوم را کنار گذاشته و مشغول تقویت مجدد ارتش های خود هستند. با این که آنها در حال حاضر در چارچوب اتحاد با امریکا عمل می کنند اما واقعیت این است که دارای منافع اقتصادی و استراتژیکی امپریالیستی جداگانه ای هستند که می تواند در شرایط خاصی رقابت های آنها را با امپریالیسم امریکا را تشدید نماید.

با رجوع به اظهارات مقامات امپریالیستی در رسانه های جهان نیز می توان به وضوح دید که قدرت های امپریالیستی برای پیشبرد مقاصد خود از دست زدن به جنگ های جدید اتومی ابائی ندارند. آنها با آشکاری در مورد جنگ اتومی سخن می گویند. به عنوان مثال نخست وزیر سابق استرالیا، کوین راد (Kevin Rudd) در مقاله ای در شماره سوم مجله "سیاست خارجی" به تاریخ اگست ۲۰۲۲، با اشاره به بسته شدن کنسولگری های امریکا در چین و اظهارات مقامات امریکائی مبنی بر خواست سرنگونی دولت چین، نوشت: "به نظر می رسد که نتیجه وضعیت کنونی، درگیری مسلحانه امریکا و چین خواهد بود. ما نه با چشم انداز فقط یک جنگ سرد جدید، بلکه با یک جنگ داغ روبرو هستیم."

برخی به اشتباه تصور می کنند که با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، خطر جنگ های هسته ای از بین رفته است. اما این تصور توهمی بیش نیست زیرا که امپریالیسم امریکا پس از چندین دهه جنگ که منجر به کشته شدن میلیون ها نفر در کشورهای تحت سلطه مانند کره، ویتنام، عراق، افغانستان، لیبی و سوریه شد، اکنون استراتژی خود را از به اصطلاح "جنگ علیه تروریسم" به "تدارک برای جنگ های بزرگ" علیه روسیه و چین (کشورهای مجهز به سلاح هسته ای) تغییر داده است. در پیشبرد این سیاست بود که دولت اوباما یک تریلیون دلار صرف مدرن سازی تسلیحات هسته ای خود کرد. این سیاست و بودجه های کلانی که صرف آن شد، در دوران ریاست جمهوری ترامپ نیز تشدید شد و تقریباً تمام معاهده های کنترل سلاح های هسته ای به طور یکجانبه توسط دولت ترامپ لغو شدند. عملکرد فعلی دولت امریکا نیز، از استقرار تحریک آمیز نیروی دریائی اش در دریای چین جنوبی گرفته تا تهدید به استقرار نیروهای امریکائی در مرز لهستان و روسیه به وضوح تشدید خطرناک جنگ افروزی وحشیانه امریکا را نشان می دهد که خود البته ناشی از بحران داخلی سرمایه داری در آن کشور و تلاش نامیدانه امپریالیست های امریکائی برای حفظ هژمونی جهانی خود از طریق جنگ افروزی است. دولت امریکا در سال های اخیر انواع جدیدی از سلاح هسته ای مدرن را تولید کرده که کوچکتر از بمب هائی هستند که در هیروشیما و ناکازاکی به کار گرفته شدند اما تاثیرات رادیواکتیوی آنها کمتر از بمب های هیروشیما و ناکازاکی نیستند. تسلیحات هسته ای مدرن نسبت به هفتاد و هفت سال پیش بسیار پیچیده تر شده اند و می توانند در توپ های کالیبر ۱۵۵ میلی متری با قدرت تخریبی وحشتناکتر از بمب اتومی هیروشیما تعبیه شوند. (۳)

شکی نیست که انرژی اتومی دارای مزایای بالقوه عظیمی برای بشریت است. اما تا زمانی که کنترل آن در اختیار طبقه سرمایه دار است، می تواند به عنوان وسیله ای جهت نابودی جوامع و کره زمین استفاده شود. تنها نیروی اجتماعی که قادر است از لغزش دنیا به سوی یک فاجعه هسته ای جلوگیری کند، طبقه کارگر بین الملل از طریق مبارزه انقلابی برای از بین بردن سیستم سرمایه داری است. با توجه به این واقعیات می بینیم که اکنون سوال پیش روی طبقه کارگر و

خلق های تحت ستم در جهان این نیست که آیا جنگ های جدید اتمی رخ خواهند داد یا نه، سوال واقعی این است که چگونه و در چه شرایطی می توان از وقوع چنین جنگ هائی که قدرت های امپریالیستی از آنها سخن می گویند، جلوگیری کرد؟ و در واقع بزرگداشت یاد صدها هزار قربانی بی گناه بمباران اتمی جاپان در هفتاد و هفتمین سالگرد آن تنها می تواند به طور واقعی از طریق ایجاد جنبش های قدرتمند ضد جنگ به رهبری طبقه کارگر جهان انجام شود که هدف نهائی آن جز با نابودی انقلابی سیستم سرمایه داری ممکن نمی شود.

مرداد- اسد- ۱۴۰۱ - اگست ۲۰۲۲

### زیرنویس ها:

۱- صفحه ۲۵۳ کتاب "روز اول: قبل و بعد از هیروشیما" نوشته پیتر وایدن.

Wyden, Peter. Day One: Before Hiroshima and After

۲- در این رابطه به این لینک مراجعه کنید <https://www.businessinsider...>

۳- در رابطه با تسلیحات هسته ئی مدرن می توانید به این مطلب مراجعه کنید:

The History of Nuclear Weapons Design 1945 to 2015

By: Ian Greenhalgh

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۷۷، مرداد ماه - اسد- ۱۴۰۱